

بادداشت

«تئاتر نصر» سرما به فرهنگی



امیر جواد

تئاتر نصر حتی بعد از انقلاب هم مدت بسیار کوتاهی فعال بود ولی به هر حال تعطیل شد. از آن دوران بارها به بعد چندین بار دورخیزهای مختلفی صورت گرفت که ساختمان حداقل به عنوان «موزه تئاتر» در نظر گرفته شود و البته در مقطعی موافقت‌هایی هم صورت گرفت. آن زمان مسأله مالکیت وجود داشت چون یک بخش دست بنیاد مستضعفان بود و بخشی هم جهاد دانشگاهی. آن طور که شنیدیم در دوره کوتاه حضور آقای نجفی در شهرداری تهران این ملک خریداری شد و ایشان زمانی به من گفتند به زودی کارهای موزه تئاتر آغاز می‌شود که متأسفانه حضور آقای نجفی دوام چندانی نداشت.

این را هم می‌دانم که وقتی آقای دکتر ایمانی معاون هنری وزارت ارشاد بود وضعیت «تئاتر نصر» پیگیری و امور به مهندس شافعی سپرده شد که طراحی و معماری «خانه تئاتر» جدید را هم برعهده داشت. وضعیت «تئاتر نصر» حتی در دولت‌های آقایان هاشمی‌رفسنجانی و خاتمی مورد توجه بود چون به یاد دارم با آقای منطقی، معاون هنری وقت مدتی به دنبال خرید بنا برای طراحی موزه تئاتر بودیم اما نمی‌دانم هر بار چه اتفاقی رخ می‌داد که همه چیز مسکوت می‌ماند. تاریخی بودن این بنا به تنهایی ارزش میراث، حفظ و حراست دارد و علاوه بر این سابقه تئاتریش‌اش بسیار مهم است. «تئاتر نصر» متأسفانه در این سال‌ها بسیار فرسوده شده است و اوضاع مساعدی ندارد ولی اگر قرار باشد به سالن تئاتر تبدیل شود حتماً باید کار اساسی روی آن صورت بگیرد.

تبدیل تئاتر نصر به یک محل فرهنگی یک مشکل اساسی دارد و آن وضعیت خیابان لاله‌زار است. طرح «گذر فرهنگ» هم به دلیل تجاری شدن خیابان اجرایی نشد. بیشتر این تجار دنبال تبدیل هر ساختمانی به انبار هستند، «تئاتر نصر» خوشبختانه تا به امروز جان سالم به در برده است ولی همچنان نمی‌دانم قرار است چه اتفاقی رخ دهد. امیدوارم همه از این سرمایه فرهنگی محافظت کنند.

ادامه از صفحه ۷

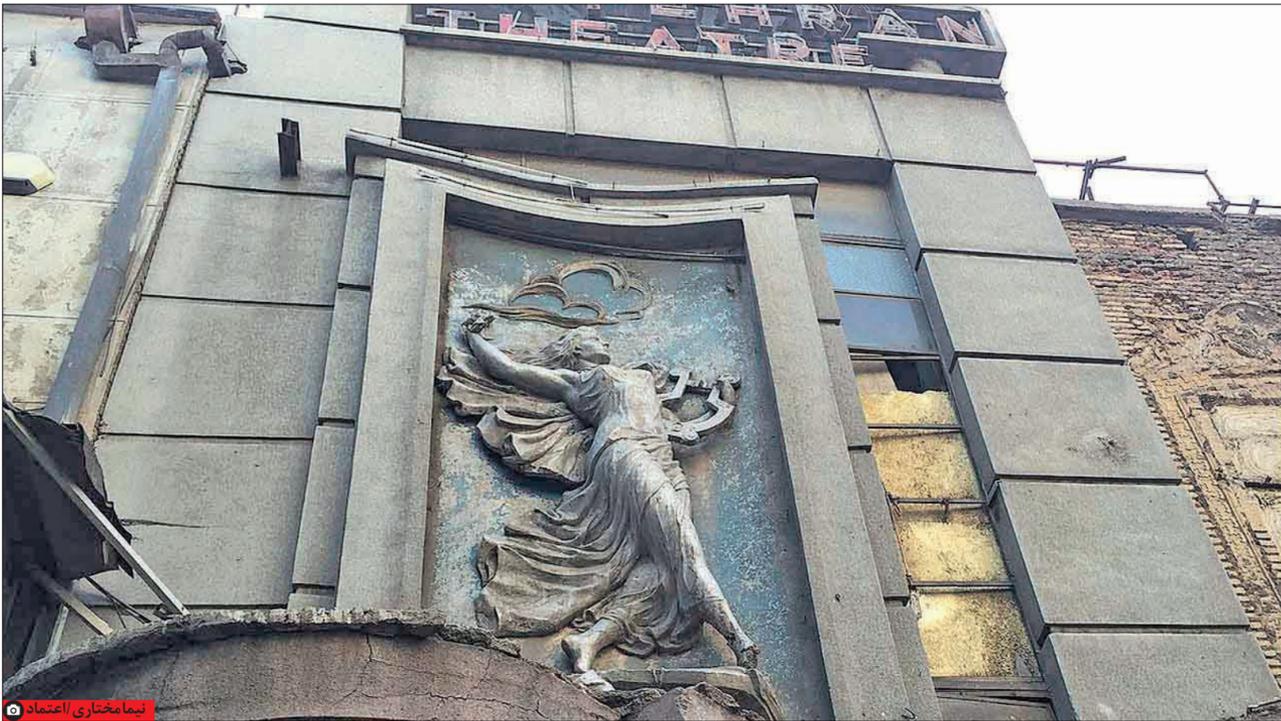
انتظار جامعه مقصد از بعضی نویسندگان مهاجر

چند نفر از نویسندگانی که به هر شکل از ایران رفته‌اند معمولاً تلاش می‌کنند به هر شکل ممکن، زمینه ترجمه کارهای‌شان به زبان‌های دیگر را فراهم کنند چون فرقیست زبان فارسی را برای رسیدن به افق‌های جهانی کافی نمی‌دانند. تو تاکنون تلاشی در این باره کرده‌ای؟ ترجمه شدن داستان‌ها حتماً به نویسنده کمک می‌کند. پیدا کردن مخاطب جدید البته گاهی در این کار زیادهری هم می‌کنیم. مثلاً ممکن است قبل از اینکه یک داستان یا رمان طرف فینش را بین مخاطب فارسی زبان نشان داده باشد به دنبال پیدا کردن مترجم برای ترجمه‌اش باشیم. قبل از اینکه داستان خوبی نوشته باشیم به دنبال جهانی شدنش. از من هم چند داستان کوتاه ترجمه شده به زبان انگلیسی. آخرین ترجمه هم مربوط به داستان‌های آبی از مجموعه «همین‌امشب بر گردیم» است که به زودی در یک مجله ادبی انگلیسی زبان منتشر می‌شود. مشکل اینجاست که ترجمه و چاپ داستان به زبانی دیگر در نهایت زمانی موثر است که در دست حرفه‌ای ترجمه شده باشد، درست بازار را بی‌شده باشد تا نشر مناسبی برای کتاب پیدا شود و مخاطب در نهایت امکان خواندن داستان‌ها را پیدا کند. این چرخه در حال حاضر در ترجمه داستان‌های ایرانی معیوب است یا ترجمه ترجمه خوبی نیست که کل امکان موفقیت کار را از بین می‌برد یا بازاری در جامعه مقصد ندارد و هیچ ناشر معتبری چاپ آن را قبول نمی‌کند. نویسنده هم در نهایت به چاپ کار در یک نشر کوچک و محلی رضایت می‌دهد و نتیجه هم در حد یک‌دوره می‌گذرد. هنرهای ایرانی داستان‌های باقی می‌ماند.

شاید این سوال هم تکراری باشد و اینجاست که ما مجبوریم از خودمان بپرسیم چرا با این همه صدای نو، هنوز سقف ادبیات داستانی ما در جهان، نویسنده‌ای به نام صادق هدایت است. به نظر این نبود مراد ما به جهان را چگونه باید ماهر کرد و چگونه باید اعلام کرد که ما به غیر از این نویسنده و چند نویسنده دیگر که بد یا خوب، کارهای‌شان ترجمه شده‌اند، دارای صداهای دیگری هم هستیم؟

صادق هدایت هنوز شناخته‌شده‌ترین نویسنده ایرانی است. نه فقط در خارج از ایران که در داخل ایران هم. دلایل این وضعیت خیلی زیاد است که البته به بزرگ بودن هدایت به عنوان یک نویسنده هم برمی‌گردد و همچنین به روزگار و زمانه‌ای که در آن می‌زیست. نبود مراد به با جهان متأسفانه مسأله‌ای بزرگ‌تر از ادبیات است. مسأله‌ای تاریخی و ملی است. در حوزه ادبیات ولی همیشه یک مشکل جدی وجود داشته. آن هم روزه‌ها بودن سیاست‌گذاران با نویسندگان است. این مسأله از ابتدای کار وجود داشته. نگل‌به به تاریخچه شکل‌گیری ادبیات‌های معاصر کانون نویسندگان تأییدکننده همین مسأله است. یعنی همیشه جریان ادبیات پویا در ایران به عنوان یک آلترناتیو گفتمان‌های غالب سیاسی و حکومتی عمل کرده و با کم‌در دست‌ترین حالت به یک همزیستی از سر ناچاری با این نهادها رسیده است. این به معنی نداشتن پشتیبانی نهادهای قدرت است. نویسنده در ایران همیشه تک و تنها بوده است. وابسته به خود. بی‌هیچ پشتیبانی. بار این مراد به با جهان فقط و فقط بر دوش خود نویسنده است. بر دوش نویسندگانی که به زبانی کم‌مخاطب در مقیاس جهانی می‌نویسد. ولی چاره چیست؟ الان نویسندگانی مانند زویا پیرزاد نویسندگانی شناخته شده در فرانسه است که به زبان فارسی داستان می‌نویسد و داستان‌هایش ترجمه می‌شود. پیرزاد از معدود نویسندگانی است که در ارتباط با مخاطب غیر فارسی زبان موفق عمل کرده است. ادبیات ما همیشه به همین تک‌ساعتی مانده که خودش بوده. راه دیگری هم برای ارتباط پویا با ادبیات جهان فعلاً متصور نیست.

ناتر



نیم‌مختاری اعتماد

بلا تکلیفی مرمت «تئاتر نصر» در گفت‌وگو با بهروز غریب‌پور و محمود عزیز

موزه‌های معلق پایتخت

بابک احمدی

سالواتوره پسر بچه سبزه لاغر اندام و بازبگوش، از پله‌های راهروی تنگ و ترش آپارتمان تنها سینمایی شهر بالا می‌رود. ورود سالواتوره به آپارتمان و آشنایی‌اش با آلفردوی پیر، جهانی شبیه به آنچه از اجاری «الیس» در سرزمین عجایب» به یاد داریم پیش روی او همه ما می‌گشاید. کنار رفتن این پرده سر آغاز ماجرای جذاب و دیدنی است که برای بسیاری از سینما دوستان فقط با یک نام پیوند خورده است: «سینما پارادیزو».

جوزپه تورنا توره، کارگردان فیلم «سینما پارادیزو» زمانی گفته بود این فیلم مرئی‌های است برای سال‌های سینما، اما اشاره به سالن سینما در ابتدای گزارش پیش روی تنها بهانه‌ای است از سر ناچاری، چرا که حداقل اگر یک فیلم سینمایی (ایرانی) چنین اشاره‌ای به سالن تئاتر داشت قطعاً در مقدمه به همان از جاع می‌شد. همان سالن‌های تئاتر که برپای شان در نمونه‌ای مانند «تک‌یک دولت» به عهد ناصری باز می‌گردد و بر خلاف تاریخ و ورود سینما به ایران حتی قدمتی بیش از عهد قاجار دارد.

به همین بهانه اشاره‌های گذرا خواهیم داشت به سرانجام مجبور و نگران‌کننده ساختمان «تئاتر نصر» یکی از قدیمی‌ترین سالن‌های تئاتری پایتخت که از سال‌های پایانی قاجار تا پیش از انقلاب اسلامی جز چند مورد آتش‌سوزی منجر به تعطیلی، فعال بود اما بعد از انقلاب به کل تعطیل و به مخروبه‌ای بدل شد. حدود ۱۲ سال قبل به پیشنهاد چهره‌های شناخته شده از جمله عزت‌الله انتظامی بحث تبدیل این بنا به «موزه تئاتر» مطرح شد. سالن تئاتری که نخستین روی صندلی‌هایش برای بسیاری حکم هم نشینی با همان تالار نوری را داشت که در «سینما پارادیزو» و دستگاه آپارات و سپس دهان مجسمه شیرا، بیرون می‌زد و روی پرده نقره‌ای می‌افتاد تا برای تماشاگران رویا بسازد. «تئاتر نصر» و آخر قاجار کوشش سیدعلی نصر، معاون وقت «وزارت پیشه و هنر» در بخشی از ساختمان گراند هتل واقع در خیابان لاله‌زار ساخته شد. مجموعه‌ای که بعدها نام تئاتر ادیبی تهران را به خود دید و پس از وقوع انقلاب اسلامی مانند بعضی سینماها نیز از قدیمی‌ترین طعم تعطیلی را چشید.

چندی بعد مالکیت بنا به «کمیته امداد امام خمینی» و سرقلی به جهاد دانشگاهی رسید تا در ۷ مهر سال ۱۳۸۱ که نام «تئاتر نصر» در فهرست آثار ملی ثبت شد.

صحنه یک: ساقان در دعوات

سال ۸۶ در تمام ادوار حیات «تئاتر نصر» سال دیگری است. سالی که بی‌توجهی مسوولان به اوج رسید تا آنجا که انتشار خبر سرعت سه‌دریف از صندلی‌های سالن (حدود ۱۸۰ صندلی) همراه با بخشی از سقف کاذب (حدود ۱۰۰ متر از سقف) در رسانه‌ها فریاد اعتراض هنرمندان تئاتر را به آسمان برد. آن مقطع به بعد تا شش برای تبدیل این بنای ماندگار و مهم به عنوان «موزه ملی تئاتر» به همت احمد مسجد جامعی از اعضای فعلی شورای تئاتر تهران در کنار هنرمندان آغاز شد. انتظامی همان سال‌ها در باره تبدیل «تئاتر نصر» به موزه گفت: «این تئاتر شاهد فعالیت هنرمندان بسیاری بوده و جای تأسف دارد که به یک ویرانه تبدیل شود چرا که می‌تواند به عنوان موزه تئاتر، یادگار‌های گذشته هنرمندان این رشته را در خود جای دهد.» باز یگر پیشکسوت تئاتر و سینما ابراز امیدواری کرد با راه‌اندازی موزه، «خیابان لاله‌زار بخشی از گذشته فرهنگی خود را به دست آورد.» در نتیجه گروهی متشکل از کیومرث مرادی، محمود عزیز، حسین رحمانی و مجید جعفری مسوولیت پیگیری مرمت و بازسازی بنا را برعهده گرفتند.

محمود عزیز: اعتماد ندارد

محمود عزیز، هنرمند شناخته شده تئاتر و تلویزیون در پاسخ به پرسش «اعتماد» درباره سرانجام و اوضاع امروز «تئاتر نصر» که همچنان از شرایط نامناسب در رنج است، می‌گوید: «هر سال‌های اخیر اطلاع چندانی نداشتیم ولی گویا شهرداری بنا را خریداری کرده و گروهی مسوول مرمت و بازسازی آن شده‌اند. ولی مسأله اینجاست که همیشه وقتی بحث انتخاب افراد برای بازسازی بناهای تاریخی تئاتری مطرح می‌شود شک می‌کنم، چون تجربه نشان داده افرادی ناآشنا به معماری و هویت سالن‌های تئاتر و فاقد صلاحیت دست به کار می‌شوند. متأسفانه

تجربه‌ها در نمونه‌های متعدد منقذی بوده است.» در مقطعی که هنرمندانی مثل محمود عزیز مسوولیت پیگیری بازسازی ساختمان «تئاتر نصر» را برعهده داشتند همواره یک در خواست به صورت جدی مطرح می‌شد. اینکه باید ساختمان قدیمی «گراند هتل» نیز به ظرفیت موجود افزوده شود تا از گزند حوادث طبیعی و غیر طبیعی مصون بماند. عزیز می‌گوید: «ارزوی ما همیشه این بود که آنچه از ساختمان قدیمی گراند هتل باقی مانده نیز به تئاتر نصر اضافه شود تا فضای بیشتری در اختیار موزه تئاتر باشد. اگر شهرداری قصد بازسازی دارد باید این دو مجموعه شناسنامه‌دار و قدیمی را کنار یکدیگر قرار دهد.»

هنرمندان تئاتر همان سال‌ها به شهرداری تهران پیشنهاد دادند شرایطی فراهم کند که لاله‌زار حداقل بخش کوچکی از هویت گذشته‌اش را باز یابد. بر این اساس بود که طراحی «راسته یا گذر فرهنگ» در این خیابان که حالا بیشتر به انبار سیم و کابل و لوستر شباهت دارد، پیشنهاد شد. عزیز با اشاره به طرح مورد نظر ادامه می‌دهد: «پیشنهاد این بود که ابتدای کوچه‌ها را آسودند کنند تا به گذر فرهنگ تبدیل شود. آن زمان هنوز «تئاتر دهقان» را داشتیم بنامشانه‌هایی از «جامعه پارید» وجود داشت. هنوز «فوق طلایی» و بخشی از «تئاتر سعیدی» فعالیت می‌کرد. به این ترتیب با شناسنامه فرهنگی ایران مواجه بودیم ولی

غریب‌پور طراحی آن را برعهده گرفت. در همین حال شفیع چندی بعد در گفت‌وگو با خبرگزاری مهر درباره استفاده از ساختمان‌های قدیمی تئاتر برای راه‌اندازی موزه یادآور شد: «برای راه‌اندازی موزه تئاتر در مکان‌های قدیمی تئاتر یا مکان‌های قدیمی در اختیار شهرداری تهران پیگیری‌هایی را انجام داده‌ایم. این مکان‌ها نیز با تعمیر و بازسازی دارند و تا آن زمان ساختمانی را خریداری می‌کنیم تا موزه تئاتر در آن راه‌اندازی شود.» گرچه او حدود ۷ ماه بعد بار دیگر نسبت به استفاده از آنچه «ظرف‌های موجود در اختیار شهرداری تهران» خواند، ابراز امیدواری کرد.

مدیر کل سابق هنرهای نمایشی ۹ آبان ۹۶ و هم‌زمان با تکرار تقاضای خبر ناخوشایندی هم داشت: «متأسفانه امسال با کمبود تخصیص اعتبار مواجه بودیم. امسال از آن سال‌هایی بود که به واسطه اتفاقات مختلف شامل تغییر دولت و مباحثی که در حوزه اعتباری دولت وجود داشت، تخصیص بودجه بسیار اندکی داشتیم اما به امید خدا اگر گشایشی در حوزه اعتباری براداشته‌ها باشد باقی‌مانده این طرح را اجرایی خواهیم کرد و افتتاح موزه را در دستور کار قرار می‌دهیم.»

صحنه سوم: حفظ میراث ریحارد دوم

۲۶ تیر ۱۳۹۶ علی مرادخانی، معاون سابق امور هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی از انتقال آثار نمایشگاه



داود رشیدی به موزه تئاتر «سخن» گفت. دو ماه بعد یعنی در تاریخ ۴ شهریور ۹۶ اولین دوره اهدای نشان «داود رشیدی» کارگردان نمایش‌هایی همچون «در انتظار کدو»، «ریچارد سوم» و «یک‌کته و رابیه» شامله ۴ شهروم‌ها در سالن اصلی مجموعه تئاتر شهر برگزار شد. در همین مراسم بود که احمد مسجد جامعی این بار در جمع هنرمندان درباره «تئاتر نصر» صحبت کرد. او که برای اهدای نشان زنده‌یاد رشیدی به محسن میرزایی روی صحنه رفته بود در این باره گفت: «توقیف این راه‌اندازی با خانواده رشیدی از نزدیک رفت و آمد داشته‌ایم. یکی از ویژگی‌های این خانواده این است که همه آنها اهل فرهنگ و هنر هستند. زمانی که آقای رشیدی در قید حیات بود به ایشان قول داده بودم که موزه تئاتر در «تئاتر نصر» راه‌اندازی و افتتاح شود. ما خریداری محل این موزه، قرار است موزه تئاتر در «تئاتر نصر» افتتاح شود.»

صحنه چهارم: همسران (شهرداری و میراث)

اظهارات سه هفته قبل برین ضرغامی نشان داد که انتقاد بی‌اعتمادی محمود عزیز نسبت به بازسازی مجموعه تئاتری توسط سازمان زیباسازی شهرداری تهران چندان هم بیراه نیست. مدیرعامل سازمان

زیباسازی در گفت‌وگویی با هنر آنلاین به طور ناگهانی و برخلاف مشاهدات سابق و انتظار هنرمندان از «تخریب ۶۰ درصدی ساختمان تئاتر نصر» خبر داد. اظهار نظری که بعد از سوی سپیده‌سپروس نیا، معاون میراث فرهنگی اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان تهران رد شد. سپروس نیا تلویحاً این اظهارات را ناشی از عدم آگاهی نسبت به گذشته و حال بنای قدیمی «تئاتر نصر» دانست. «آخرین باری که یکی از همکاران میراث فرهنگی بازدید از بنا داشت، شرایط آن یادو سال قبل تفاوتی نکرده بود. تئاتر نصر در هر صورت از همان زمان ثبت ترموز یک بنای متروکه است؛ سالی کاملاً تاریک و بدون برق که بیشتر صندلی‌هایش شکسته و به حال خود رها شده است. احتمالاً رئیس سازمان زیباسازی چون آن شرایط را دیده، فکر کرده که ۶۰ درصد بنا قابل بازگرداندن نیست. مطمئناً امکان بازسازی درصد بالایی از این مجموعه تاریخی وجود دارد.»

صحنه پنجم: موزه‌های معلق پایتخت

موتیف نگران‌کننده گزارش از مقطعی به بعد جای خود را

باندوده عوض می‌کند. آنجا که نه تنها از بازسازی و مرمت اصولی «تئاتر نصر» خبری نیست، بلکه بهروز غریب‌پور در گفت‌وگو با «اعتماد» برای اولین بار از بلا تکلیفی طراحی ساختمان جدید خبر می‌دهد. این هنرمند درباره آخرین وضعیت طراحی این ساختمان می‌گوید: «بخشی از کارهای طراحی انجام شد و دفترچه‌هایی شامل تمامی آنچه تا امروز صورت گرفته به مدیر کل جدید هنرهای نمایشی ارائه شده است. ولی وقتی فهمیدم به دلیل کمبود بودجه امکان‌ناات این ساختمان به دبیرخانه جشنواره تئاتر فجر اختصاص داده شده است به نظر من رسید درباره اینکه «سالن نصر» موزه تئاتر باشد یا ساختمان جدید اختلاف نظر وجود دارد.»

سپرست گروه نمایشی «آران» در این باره می‌افزاید: «ما باید ساختمان جدید را برای موزه تئاتر آماده کنیم چون در بهترین نقطه قرار دارد. در حالی که تئاتر نصر به عنوان فضای قدیمی تئاتر باید حفظ شود. اگر قرار باشد موزه شود از حالت تماشاخانه‌ای خارج شده و قابلیت گذشته‌ها را از دست می‌دهد.»

غریب‌پور در ادامه از نگارش نامه‌ای خطاب به مدیر کل هنرهای نمایشی برای روشن شدن تکلیف تریق بودجه و ادامه طراحی موزه جدید خبر می‌دهد: «با وضعیت موجود امکان ادامه کار وجود ندارد چون هزینه‌ها بالاست و ظاهراً اداره کل، بودجه‌ای برای پرداخت هزینه‌های طراحی و ساخت در اختیار ندارد. بنابراین لازم است با تیروری انسانی که تا امروز فعالیت کرده تسویه حساب کنیم تا ببینیم کار چهسرتجاری می‌ماند.»

او در پاسخ به این پرسش که اگر سالن تئاتر نصر مطبق آنچه شهرداری تهران مد نظر دارد برای اجرای آثار نمایشی آماده شود، آیا امکان جذب مخاطب خواهد داشت یا خیر، بیان کرد: «گستر برنامه‌ریزی جدی و دقیق وجود داشته باشد قطعاً امکان پذیر است. برای نمونه می‌توان این سالن را به محل تخصصی مرور نمایشنامه‌های دوران قاجار اختصاص داد. این روش به شأن و منزلت سالن هم کمک زیادی می‌کند. در هر صورت اگر اصول رعایت شود و سالن تابع استراتژی روشن باشد حتماً به نتیجه می‌رسد.»

پرده آخر

سالن‌های قدیمی سینما و تئاتر سرمایه‌های ملی فرهنگی و اجتماعی هر کشوری هستند؛ سرمایه‌هایی که فقط از خاطر جمعی جامعه حراست نمی‌کنند، بلکه شناخت بهتر از نسل‌های پیشین و ارتقای سطح فرهنگ عمومی نسل آینده را در خود مستتر دارند. داشتن «موزه تئاتر» حق مسلم هنرمندان نمایش و مرمت و بازسازی «تئاتر نصر» دینی است که چندین دهه است بر شانه مدیران پایتخت سنگینی می‌کند. متأسفانه روند امور حداقل در ۱۶ سال اخیر نشان می‌دهد سخت می‌توان به پروژه‌های ساخت، مرمت و بازسازی اماکن هنری اعتماد کرد و همان گونه که بهروز غریب‌پور گفت، امید می‌رود در بحث بازسازی «تئاتر نصر» و «راه‌اندازی موزه جدید تئاتر» همه چیز با رعایت اصول پیش برود. بلکه نسل‌های آینده مانند سالواتوره، زهرا نقی‌شاه «سینما پارادیزو» محلی برای ساختن جهان رویایی خود داشته باشند که ملت بی‌ریوامر ده است.

خبر کوتاه

صف سلبریتی هادر مقابل ترامپ



مگی جیلنهل، رایان رینولدز و بسیاری از ستاره‌های دنیای هنر بنا خواندن نامه یک مادر مهاجر در اعتراض به جدا کردنش از پسر ۲ ساله‌اش، برابر ترامپ ایستادند. به گزارش آسوشیتد پرس، ستارگان هالیوود با انتشار یک ویدیوی متحد که روخوانی نامه یک مادر مهاجر در اعتراض به سیاست مهاجرتی «شکلیابی-صفر» ترامپ است و موجب جدا شدن نزدیک به ۲ هزار کودک از خانواده‌های‌شان شده است، بار دیگر برابر ترامپ صف کشیدند. یک ویدیوی ۴ دقیقه‌ای با عنوان «اسم من میریان است» با حضور ستارگانی چون امی شومر، جیمز فرانکو، چادویک بوزمن، جیمی لی کور تیس، جیک جیلنهل و بسیاری از ستارگان برجسته دیگر، این نامه را ارائه می‌کند. در این ویدیو چهره‌های مشهور به روخوانی نامه میریان پرداختند. مادری از هندوراس که ماه آوریل از پسر ۱۸ ماهه‌اش جدایش کردند. گلن کلو، لینا یوتو، ریز احمد، اوبری بلز، آکیسی افلک، جف بریجز، اما تامپسون، متود من، آنتونی راموس، آلیا شوکت و تیم رایبزن از دیگر چهره‌هایی بودند که این نامه را روخوانی کردند.

فستیوال Show Of Hands

در راه



دومین دور از شب‌های بداهنه‌نوازی Show Of Hands Festival با موضوع تک‌نوازی سازهای زهی و زخمه‌ای از ۱۰ شهریور طی ۶ شب در فرهنگسرای نیاوران برگزار می‌شود. این پروژه که توسط رامین صدیقی در نشر هم‌ساز راه‌اندازی شده کار خود را از سال گذشته با اجرای بداهه‌هایی برای پیانو آغاز کرد و قرار است در دور تازه خود با هنرمندی نوازندگان همچون گلغام خیام، رؤفیا بوروس، فرانک استن برگر، زوگاریا فونتن، ماتس ایلر تسمن، بیورن بوستان روی صحنه رود.

فیلم امیر نادری نامزد امی شد



پنجشنبه‌شب نامزدهای هفتادمین مراسم جایزه امی که به تقدیر از بهترین برنامه‌های سریال‌های تلویزیونی می‌پردازد، معرفی شدند. در این میان تازه‌ترین ساخته رامین بحرانی «فاز نهایت ۴۵۱» نیز در میان نامزدهای تلفیق‌دیده می‌شود. امیر نادری و بحرانی این فیلم را با اقتباس از رمان «فاز نهایت ۴۵۱» نوشته‌ری بردبری، نویسنده آمریکایی فیلمنامه‌نویسی کرده‌اند. «فاز نهایت ۴۵۱» با بازی مایکل بی جردن و مایکل شانون اقتباس مدرن رمان کلاسیک بردبری است. داستان از جامعه‌ای در آینده حکایت می‌کند که در آنجا کتاب‌ها سوزانده می‌شوند. تاریخ باز نویسی می‌شود و شهروندان را افرادی مجهول‌الهویه و نابالغ تشکیل می‌دهند. ساخته بحرانی با فصل چهارم سریال «پنه‌سپاه» فصل هشتم سریال «شهر فلینت» و فیلم‌های «Paterno» و «قصه» برای کسب جایزه این بخش به رقابت می‌پردازد. مینی سریال «وست‌ورلد» و «سرگذشت ندیمه» با نامزدی ستار گانش در رشته‌های بهترین بازیگری پیشتازان بخش بازیگری جوایز امی هستند. سریال «بازی تاج و تخت» با ۲۲ نامزدی رکوردی تاریخی به نام خود ثبت کرده و مجموع نامزدی‌های خود را هفت فصل به رقم ۱۲۹ رسانده است. پس از این سریال، «زنامه زنده شنیده‌شده» و «وست‌ورلد» هر کدام با ۲۱ نامزدی در جایگاه دوم ایستادند. ترجمه سریال هاوس ساخته‌های علمی-تخیلی مانند «وست‌ورلد» و «جزایر عجیب» و کم‌لطفی به سریال‌های محبوب شبکه‌های سراسری و کابلی مانند «توئین بیکس» و «هرج رفیع» و «همتا» سبب شده جای خالی نام‌های بزرگی همچون دیوید لینچ، دیوید فینچر، الیسون بری، جی کی، سیمون و بوبلا دیویس پررنگ به نظر برسد. هفدهم سیستم‌بری مراسم جوایز برگریدگان این دوره اعظمی‌اش شد.

تابستان ۹۷
قبرس
لارناکا - لیماسول - آیاناپا
بهسا گشت
۶۶۵۹۶۳۷۰
نظرات خود را برای ما پیامک کنید
۳۰۰۴۷۳۲

نظرات خود را برای ما پیامک کنید
۳۰۰۴۷۳۲